عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

■ ناصرصبحی

رییس اورژانس اجتماعی سیرجان می‌گوید که این روزها با کمتر شدن مراجعات مرتبط با اورژانس اجتماعی، این مرکز بیشتر از قبل به سمت بحث‌های مرتبط با کودکان خیابانی رفته است. کودکانی که همه افغانستانی هستند و خانه و خانواده دارند، بنابراین اورژانس اجتماعی نمی‌تواند آن‌ها را جمع‌آوری کند. محسن روح‌الامینی می‌گوید: «تصمیم گرفتیم به سمت آموزش این کودکان در مواجه با کرونا برویم و در حد بضاعت‌مان، وسایل بهداشتی مثل مواد شوینده و ماسک در اختیارشان بگذاریم. همچنین در بحث آموزش به شهروندانی که مسایل بهداشتی را رعایت نمی‌کنند نیز برنامه داریم.»

او می‌گوید: «البته هر چه به کودکان خیابانی آموزش می‌دهیم که ماسک بزنند، نمی‌زنند. اتفاقا در یک مورد رفتیم و تعدادی ماسک بین‌شان توزیع کردیم اما بعد دیدیم ماسک را نزده‌اند. گفتیم ماسک‌ها را چکار کردید؟ گفتند که فروختیم.»

روح‌الامینی هرچند معتقد به جمع‌آوری کودکان از سطح خیابان است اما می‌گوید: «در شرایط فعلی به صلاح نیست زیرا به علت تجمع در یک مکان، اگر فردی آلوده باشد، ممکن است ویروس کرونا در میان‌شان شایع شود.» او مصوبه اسفندماه ستاد مبارزه با کرونای شهرستان، مبنی بر اختصاص یک مدرسه برای جمع‌آوری و اسکان کودکان را غیرکارشناسی نامید و افزود: «اگر ۲۰ یا ۳۰ نفر را به صورت گروهی در یک مدرسه اسکان دهند، بیماری چقدر می‌تواند شیوع پیدا کند. جدا از این که در مدرسه امکاناتی مثل حمام وجود ندارد یا یکی از مدارس فقط یک دستشویی داشت.»

مسئول اورژانس اجتماعی بین کودکان کار و کودکانی که در سطح خیابان هستند، تفاوت قایل است: «کودک کار کسی است که کار، شغلش است و کار می‌کند تا زنده بماند. او نه جایی برای زندگی دارد و نه پدر و مادر و در خیابان زندگی می‌کند اما بچه‌های افغانستانی، از روی تفریح کار می‌کنند. آن‌ها نمی‌توانند در خانه بمانند و در گروه‌هایی که شامل اقوام است، در سطح خیابان حضور دارند. ما یک‌بار گروه ۱۵ نفره‌ای از این کودکان را شناسایی کردیم که همه خواهر و برادر و عموزاده بودند. آن‌ها کار را بین خودشان تقسیم کرده بودند. مثلا تعدادی سر چهارراه‌ها بودند و چند نفرشان توی گیم‌نت مشغول بازی بودند. یک‌بار شهرداری تعدادی از این کودکان را تحویل ما داد و ما خانواده‌ها را خواستیم. مادر یکی از این کودکان به اندازه یک وجب فقط النگو داشت. مادر خیاط بود و پدر هم شاغل. می‌گفت؛ فرزندشان توی خانه نمی‌ماند و بیرون می‌رود و کاری هم از دست ما ساخته نیست. یک‌بار نیز نیروی انتظامی تعدادی از این کودکان را به اسم کودک کار گرفت که از کرمان به سیرجان آمده بودند. آن‌ها خیلی باهوش بودند. می‌گفتند ما بین بندرعباس، سیرجان، شیراز و کرمان در رفت و آمد هستیم. یکی‌شان ۱۲، دیگری ۱۴ و آخری بین ۱۵ تا ۱۶ سال سن داشتند. دو برادر بودند و دیگری پسرخاله‌شان بود. یکی از این برادران گوشی‌ای داشت که بین ۳ تا ۳ و نیم میلیون تومان قیمتش بود. پسرخاله گفت که من برایش خریده‌ام و هدیه دادم، این که پولی نیست. لباس‌هاشان کثیف بود اما تمام‌شان مارک بودند.»

آشکار است که این کودکان درآمد سرشاری دارند. در شرایطی که یک کودک سیرجانی همسن آن‌ها، برای خرید یک ساندویچ چشم‌ش به پول والدین‌ش است، این کودکان افغانی با درآمدهای قابل توجهی که دارند، بی‌نیاز از پول پدر و مادر هستند. میزان زیاد کمک‌ها و دلسوزی‌های بی‌جای مردم باعث شده تا یک درآمد نسبتا مطمئن با میانگینی تقریبا ثابت نصیب‌شان شود.

روح‌الامینی می‌گوید: «آن‌ها با خیال راحت می‌آیند سر چهارراه و درآمد خوبی هم دارند. یک کودک ۱۴ تا ۱۵ ساله، روزی بین ۵۰ تا ۱۰۰ و حتا ۱۵۰ هزار تومان کار می‌کند و بچه‌های کوچک ۶ یا ۷ ساله، تقریبا روزی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان درآمد دارند. این رقمی است که خودشان به ما گفتند»

اگر میانگین درآمد روزانه یک کودک ۱۴ ساله افغان را ۱۰ هزار تومان در نظر بگیریم، آن‌ها ماهی ۳ میلیون تومان از خیابان‌های سیرجان درآمد دارند؛ یعنی یک کودک ۱۴ ساله، ۲۰۰ هزار تومان بیشتر از دستمزد تعیین شده دولت در سال ۹۹ برای کارگر عائله‌مند، درآمد دارد.

مسئول اورژانس اجتماعی سیرجان معتقد است: «تنها راه، این است که این شغل را برای آن‌ها ناامن کنیم.» اما چگونه؟ او پاسخ می‌دهد: «وقتی این کار ممنوع شود و نیروی انتظامی یا شهرداری به عنوان متولیان، اجازه انجام کار ندهند و آن‌ها را جمع‌آوری کنند و این جمع‌آوری منظم باشد و کودکان تحویل خانواده یا بهزیستی یا نیروی انتظامی شوند، تاثیر می‌گذارد. به هر حال کاری که این کودکان انجام می‌دهند، غیرقانونی است. حضور این کودکان به ضرر سیرجان است. وقتی شخصی از سیرجان عبور می‌کند و آن‌ها را می‌بیند، می‌گوید که ببین سیرجان چقدر گدا دارد. می‌گوید سیرجانی‌ها بچه‌هاشان را در سطح شهر رها کرده‌اند. من خودم بارها این جملات را شنیدم که می‌گویند شما که شهر پولداری هستید پس چرا بچه‌هاتان توی خیابان‌ها رها هستند.»

او تاکید دارد: «تکدی‌گری شغل کاذب و جرم است و شهرداری و نیروی انتظامی باید حداقل به آن‌ها تذکر دهند.»

روح‌الامینی می‌گوید اورژانس اجتماعی تنها در حیطه کودکان ایرانی یا کودکان دارای کارت اقامت می‌تواند اقدامات قانونی را انجام دهد اما در مورد سایر کودکان، بخش اتباع خارجه فرمانداری باید ورود کند. یک‌بار همکاران ما از بردسیر تماس گرفتند و گفتند یکی از این کودکان را گرفته‌ایم که ادعا می‌کند ساکن سیرجان است. گویا این کودک ۱۴ ساله، ساعت ۱۰ شب به خانه مردم رفته و گفته که نتوانسته به سیرجان برود و تقاضای پتو کرده تا شب را در بردسیر بماند. صاحبان منازل به او پتو نمی‌دهند. این کودک می‌گوید پس به اورژانس ۱۲۳ زنگ بزنید، آن‌ها به من جا و مکان می‌دهند. یعنی تا این حد وارد بوده. به همکاران بردسیری ما گفته بود که رفته بوده کرمان گل بفروشد که شهرداری گل‌ها و پول‌هایش را گرفته. پرسیدم آدرس خانه‌اش در سیرجان کجاست؟ کودک جایی حدود شهربازی را آدرس داد اما وقتی برای پیدا کردن خانه‌اش رفتم، دیدم نشانی‌ها دقیق نیست. بنابراین من متوجه شدم که جزو اتباع خارجی است و ساکن سیرجان نیست. روز بعد او را به سیرجان آوردند. گفت افغانستانی است و خانه‌اش در کرمان است. از طریق سیرجان به بندر می‌رود و جنس می‌آورد. این بار شب را در بردسیر گیر کرده بود و چون جایی برای ماندن نداشت، با این ترفند خواسته بود که در خوابگاه اورژانس بماند. گفتم این جا هم که غریبی. گفت نه، در سیرجان قوم و خویش دارم که با آن‌ها به بندر می‌رویم، جنس می‌آوریم و کاسبی می‌کنیم. زنگ زد و اقوامش آمدند.»

روح‌الامینی در پایان نتیجه می‌گیرد: «این کوکان دنبال پول مفت هستند و به آن عادت کرده‌اند. وقتی هم بزرگ شوند، باز هم همین راه را می‌خواهند بروند. چون آن‌ها در کودکی شغل و حرفه‌ای یاد نگرفته‌اند که در بزرگسالی به آن بپردازند. حالا به نظر شما، چنین افرادی دچار انحراف نمی‌شوند و به تخلف و جرم کشیده نمی‌شوند؟ به نظرم باید از طریق مرکز اتباع خارجی فکر اساسی برای این کودکان شود. اگر مجوز دارند که کنترل شوند؛ همان طور که خانواده‌های سیرجانی فرزندان‌شان را کنترل می‌کنند و در قبال‌شان مسئول هستند و اگر مجوز اقامت ندارند، طبق قانون باید طرد شوند.»

سرمقاله

شبه‌چیزهای خطرناک

■ رضا مسلمی‌زاده

به جز کشور چین باقی کانون‌های شیوع همچنان روزهای دشواری را از سر می‌گذرانند اما ما ظاهراً داریم کم‌کم به بحران کرونا عادت می‌کنیم. در حالی که دولت‌ها و شهروندان کشورهای درگیر با کرونا همچنان به مراعات اوضاع باشدت بالا مشغول‌اند، ما بنا به شرایط خاص خودمان شیوه‌ای را پیش گرفته‌ایم که ابعاد آن برای هیچ‌کس روشن نیست.

ما شهروندان عادی توصیه‌های ایمنی را جدی نمی‌گیریم و با چشم‌سفیدی به دشمن نادیدنی‌مان تسخر می‌زنیم و دولت‌مان هم تصویب کرده همه چیز به سمت عادی شدن پیش برود. خدا کند این مصوبه به موقع به ویروس کرونا هم ابلاغ شود.

این تصمیم می‌تواند عواقبی تلخ داشته باشد و هزینه‌های زیادی به جامعه تحمیل کند. شاید پیش‌بینی بنده بدبینانه باشد و از ترس و اضطراب وسواس‌آلود نشأت گرفته باشد اما اگر بهره‌ای از واقعیت داشته باشد...؟

ما در اداره مملکت‌مان اسیر «شبه‌چیز»ها هستیم. اداهایی درمی‌آوریم که نشان بدهیم داریم اداره می‌کنیم اما این اداها عملا هیچ کارایی ندارند. مصداقِ «نشستند و گفتند و برخاستند» هستند تا مسمایی به عمل بیاید و نانی به کف آید و به غفلت خورده شود. تعطیلی بسیاری از این نشست‌ها و شوراها نشان داد که جامعه در غیاب آنها هم راه خودش را بلد است.

اما همیشه هم این‌گونه نیست. تداوم این رویه در برخورد با مسایلی که برای اولین بار پدید می‌آیند، خطرآفرین می‌شود. حکمرانی و اعمال قدرت و مدیریت جامعه در لحظات غیرعادی لازم است. ادای اداره کردن در چنین شرایطی علاوه بر عیان‌سازیِ بی‌خاصیتی آن ساختارهای فرمالیته، فاجعه‌ای عمیق را به بیضه نشسته است.

«بر تابلوی پارک نوشته بود: «لطفا گل‌ها را نچینید!» «افسوس که باد خواندن نمی‌داند!»

کرونا با «شبه‌چیزها» آشنا نیست. او فقط با «چیزها» سر و کار دارد. کلمه درمانی هم بلد نیست. بی‌فرهنگ است و معنای فاصله‌گذاری اجتماعی پلکانی را هم نمی‌داند. او زبان نفهم است و ما از او زبان نفهم‌تر!

گزارش خبری

افزایش کودک‌آزاری در روزهای قرنطینه

■ پاسارگاد

«یک مورد دیروز (شنبه) داشتیم که می‌شود گفت خانواده به اورژانس اجتماعی رجوع کرده بود. با واحد مرتبط در اورژانس هماهنگ کردیم تا اقدامات لازم انجام شود. این اقدامات می‌تواند به شکل مداخله روان‌شناختی باشد، ممکن است اگر خانواده نتوانند از بچه نگه‌داری کنند، سرپرستی به افرادی نظیر پدربزرگ و یا سایر اقوام نسبی سپرده شود و در نهایت اگر هیچ راهی وجود نداشت، به مراکز نگه‌داری فرستاده می‌شوند.»

این سخنان بخش ابتدایی گفت‌وگوی ما با خانم دکتر مهتاب حسینی، رییس اداره بهزیستی سیرجان است. موضوع گفت‌وگو، موارد کودک‌آزاری در سیرجان و در ایام به اصطلاح کرونایی یعنی از ابتدای اسفند تا روز یکشنبه و تاثیر مشکلات اقتصادی بر افزایش میزان کودک‌آزاری‌ها است.

■ از اسفند تا امروز، میانگین موارد کودک‌آزاری بیشتر شده یا کمتر؟

مواردی داشتیم. تقریبا مشابه میانگین سایر ایام است اما کمی بیشتر شده است. یعنی از نظر آماری، ۵ مورد داشتیم که از ماه‌های دیگر بیشتر است.

■ ممکن است در مورد این ۵ مورد کودک‌آزاری توضیح دهید که چه اتفاقی افتاده است؟

بیشتر موارد کودک‌آزاری جسمی بوده است؛ مثلا کتک زدن. خدا را شکر آزار جنسی وجود نداشته. متاسفانه شرایط مالی و روانی خانواده در این موارد تاثیر زیادی دارد. مثلا یک مورد بوده که ناپدری مشکلاتی از نظر روانی داشته و در شرایط قرنطینه مشکلات بیشتر شده، فشار روحی و روانی افزایش داشته و کودکان بیشتر مورد آزار قرار می‌گیرند. معمولا شرایط این نوع خانواده‌ها نابسامان بوده و مشکلات اجتماعی و روانی داشته‌اند. از طرف دیگر مهم‌ترین نگرانی ما این است که گزارش‌ها کمتر از موارد رخ دادن کودک‌آزاری باشد. زیرا قبلا معلمان مدارس و مربیان پیش‌دبستانی و مهدهای کودک، موارد را به ما ارجاع می‌دادند اما اکنون با تعطیل شدن این مراکز، ارجاعات به ما کمتر و دسترسی به موارد احتمالی نیز محدود شده است.

■ یعنی محتمل است که موارد کودک‌آزاری بیشتر باشند؟

به هر حال وقتی ارتباطات کم شود و همه داخل خانه باشند، اطلاع‌رسانی کمتر انجام می‌شود. قبلا اطلاعات‌مان از طریق معلمان، مربیان، همسایه‌ها و اقوام بود. ما که از داخل خانه مردم خبر نداریم. ما بنا بر گزارش‌های داده شده مداخله می‌کردیم. خیلی کم پیش می‌آید که کودک، خودش تلفن را بردارد و به ۱۲۳ زنگ بزند. بنابراین نگرانی ما از کم شدن میزان اطلاعات‌مان است. همان طور که گفتم از سمت دیگر هم قرنطینه باعث مشکلاتی شده است.

■ در این ۵ مورد کودک‌آزاری، آزارها بیشتر از سمت پدرها بوده یا مادرها؟

می‌تواند از سمت هر دو نفر باشد اما بیشتر از سمت پدر بوده است و یا ناپدری.

■ چند مورد آزار از طرف ناپدری بوده؟

دو مورد.

■ این ۵ خانواده متعلق به قشر آسیب‌پذیر جامعه بودند؟

بله.

■ سرنوشت این ۵ کودک چه خواهد شد؟

باید تا حصول نتیجه صبر کنید. ولی در مرحله اول، ما مداخلات اجتماعی و روانی داریم. مددکار و روانشناس ما باید ببیند مشکل از کجاست، آیا با مشاوره حل می‌شود، چه اتفاقی منجر به این مشکل شده؟ گاهی نیز اگر شرایط و وضعیت خانواده مناسب نباشد، در بین بستگان نسبی به دنبال سرپرست خواهیم بود. اگر هیچ‌کدام از این موارد راه حل مشکل نبودند، کودک به مرکز نگهداری فرستاده خواهد شد. البته میزان پذیرش مراکز نیز محدود است. از طرفی با توجه به ویروس کرونا، برای حفظ سایر سلامت کودکان، باید کودکان جدید ابتدا قرنطینه شوند. این موضوع نیز شرایط را برای ما سخت‌تر کرده است.

■ گویا این ۵ مورد کودک‌آزاری نسبت به موارد قبل حادتر بودند؟

نه این که خیلی حاد باشند اما به هر حال کودک‌آزاری بوده. این کودک‌آزاری‌ها یا به شکل جسمی بوده و یا از نوع غفلت، نرسیدن به مسایل بهداشتی، سلامت و یا مسایل عاطفی کودک.

■ ناصر صبحی

مسئول روابط عمومی اداره بهزیستی از تاثیر کرونا می‌گوید

کرونا به اضافه معلولیت

شیوع کرونا، بسیاری از ما را در تنگناهای معیشتی، هزینه‌های روزافزون جاری و گرانی فزاینده قرار داد و زندگی را به کام‌مان تلخ‌تر از پیش کرد اما در کنار ما، افرادی هستند که علاوه بر این مشکلات مشترک، مشکلات دیگر و زندگی سخت‌تری را تجربه می‌کنند. منظور، افراد دارای معلولیت است که هزینه‌های درمانی و بهداشتی‌شان مزید بر هزینه‌های مشترک‌شان با ماست. یک تفاوت عمده دیگر نیز میان ما وجود دارد. مسئول روابط عمومی بهزیستی سیرجان، این تفاوت را این‌گونه شرح می‌دهد: «تمام افرادی که بیکار شدند، حتا کارگران روزمزد، امید دارند که پس از اتمام دوران قرنطینه به سر کار بروند و هزینه‌هاشان را تامین کنند اما بسیاری از افراد دارای معلولیت این امید را ندارند.»

برای آن که بهتر در جریان امر قرار بگیریم، باید بدانیم که ضریب نفوذ کار در میان افراد دارای معلولیت، تنها ۲۰ درصد است. به عبارت دیگر از هر ۵ فرد دارای معلولیت، تنها یک نفر شغل دارد در حالی که ضریب نفوذ کار در سیرجان و بنا به آمار فرمانداری، نزدیک به ۸۹ درصد است. اگر اعداد را سر راست در نظر بگیریم، تقریبا از هر ۱۰ نفر سیرجانی، تنها یک نفر بیکار است. بنابه گفته معصومه خواجویی؛ مسئول روابط عمومی اداره بهزیستی سیرجان، در این شهر ۵ هزار فرد دارای معلولیت وجود دارند که البته تنها شامل آن دسته از افرادی می‌شوند که در سامانه بهزیستی ثبت‌نام کرده‌اند و از این میان، تنها هزار نفر دارای مشاغلی نظیر استخدام در یک اداره، رانندگی آژانس و یا مشاغل آزاد هستند. با این وصف، چهار هزار نفر دیگر به دلیل نداشتن شغل، در تنگناهای اقتصادی هستند. میزان دشواری شرایط به گونه‌ای است که بسیاری از ایشان ناچارند هزینه‌های درمانی، دارویی و بهداشتی خود را صرف هزینه‌های جاری کنند.

خواجویی می‌گوید: «ما حدود ۵ هزار نفر معلول داریم که از این بین هزار نفرشان در جاهای مختلف مثل ادارت مشغول به کار هستند. ۴ هزار نفر دیگر یا خودشان معلول هستند و یا فرزند معلول دارند. آن‌ها شغل ندارند و اکثرشان مستاجر هستند. از طرف دیگر با توجه به بحث شیوع کرونا، باید بدانیم سیستم ایمنی اکثر افراد دارای معلولیت، به واسطه مشکلات جسمی یا ذهنی‌شان ضعیف است. بنابراین حمایت‌های درمانی از این گروه‌ها باید بیشتر از سایرین باشد.»

او در بیان مثالی پیرامون هزینه‌های بهداشتی می‌گوید: «قبل از شیوع کرونا، بسته دستکش ۳۲ هزار تومان بود و حالا همان دستکش شده ۱۲۰ هزار تومان. نکته مهم این است که معلولان باید زخم‌های‌شان را تمیز کنند و برای پیچیدن باند و گاز، نیاز به دستکش دارند. این یک احتیاج به شدت ضروری است و به همین دلیل، گرانی و نداشتن درآمد، اصلا نمی‌توانند دستکش بیشتری بخرند تا در راستای پیشگیری از ابتلا به کرونا استفاده کنند.»

مشکلات مالی معلولان برای تهیه تعداد کافی دستکش و وسایل بهداشتی برای حفاظت فردی در حالی‌ست که اخیرا شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی سیرجان میلیاردها تومان در راستای اهداف خیرخواهانه و پیشگیری از شیوع کرونا به استان کرمان کمک کرده‌اند اما معلولانی که در همین شهر زندگی می‌کنند، نادیده گرفته شدند. خواجویی می‌گوید: «افراد دارای معلولیت گلایه‌های زیادی از شرکت‌های سیرجانی دارند. آن‌ها می‌پرسند چرا این همه شرکت اقتصادی، نمی‌آیند تا هر کدام در یک بخش به ما کمک کنند؟ مثلا یک شرکت از افراد دارای معلولیت‌های نخاعی حمایت کند، دیگری از افراد دارای معلولیت‌های حرکتی، آن دیگری در بخش توانبخشی وارد شود و یک شرکت دیگر حامی زنان بی‌سرپرست باشد.»

متاسفانه به نظر می‌آید کمک‌های دولتی نه تنها کافی نیست که در برخی مواقع روند را معکوس طی می‌کنند: «زمانی هر ماه حدود ۲۰۰ هزار تومان (به ازای هر نفر) برای تهیه وسایل بهداشتی جهت افراد دارای معلولیت نخاعی (کمر یا گردن) واریز می‌شد اما حالا، هر سه ماه، ۴۰۰ هزار تومان واریز می‌شود. این مبلغ کشوری واریز می‌شود.»

مسئول روابط عمومی بهزیستی می‌گوید که به دلیل تنگناهای اقتصادی، افراد دارای معلولیت ناچار هستند بین معیشت و هزینه‌های جاری با دارو و درمان دست به انتخاب بزنند: «وسایل بهداشتی زیادی برای افراد دارای معلولیت نیاز است. به طور مثال، کیسه برای دفع مدفوع، سُند، کیسه ادرار، دستکش، سرم شست‌وشو، پماد، گاز، باند و... این وسایل به صورت روزانه مورد نیاز هستند. حالا شما حساب کنید هزینه‌اش چقدر می‌شود. تصور کنید یک فرد دارای معلولیت که شغل هم ندارد، در کنار تمام این هزینه‌ها، اجاره‌خانه، هزینه مواد غذایی، هزینه تحصیل فرزندان و... را نیز دارد. در نتیجه وسایل بهداشتی نمی‌خرد چون توانش را ندارد. در حقیقت هم اوضاع معیشت و هم درمانی‌شان بحرانی است.»

میزان کمک‌های خیران در این بخش زیاد نیست. خواجویی می‌گوید: «ظرف چهار ماه گذشته، یک مورد کمک ۳۰۰ میلیون تومانی از سوی یک خیر داشتیم که مواد غذایی گرفت و توزیع کرد. سایر کمک‌ها هم مبلغ‌شان کم بوده و هم کوتاه‌مدت بودند که توسط برخی شرکت‌ها انجام شده اما گرهی را باز نکرده است. شغل نداشتن افراد دارای معلولیت مشکل بزرگی است. پس از پایان قرنطینه، سایرین سر کار می‌روند اما این افراد کار ندارند؛ در نتیجه امید هم ندارند. استخدام در بخش دولتی بسته به تصمیم دولت است. بخش خصوصی نیز در استخدام، همکاری لازم را ندارد.»

در حالی که مشغول گفت‌وگو در مورد افراد دارای معلولیت هستیم، با مراجعه یک زن میانسال، مشکلات بخش آسیب‌پذیر دیگری از جامعه عیان می‌شود. او یک زن سرپرست خانوار است که آمده تا سبد کالا بگیرد. شغل این زن سرپرست خانوار، نظافت منازل بوده اما از زمان شیوع کرونا، شغلش را از دست داده. خواجویی می‌گوید: «این افراد کارگر روزمزد هستند اما حالا با وجود بحث قرنطینه، نمی‌توانند سر کار بروند چون کسی آن‌ها را نمی‌پذیرد.»

زنان سرپرست خانوار، بخش دیگری از جامعه هستند که حتا در این شرایط بحرانی نیز چندان به چشم نهادهای مختلف، خیرین و شرکت‌های بزرگ منطقه نمی‌آیند. زنانی که مجبورهستند بار زندگی خویش و فرزندان‌شان را در این شرایط دشوار به دوش بکشند اما هیچ ممر درآمدی ندارند.

چشم امید مسئول روابط عمومی بهزیستی به ورود شرکت‌های بزرگ اقتصادی و خیران سیرجانی در بحث حمایت از زنان بی‌سرپرست و افراد دارای معلولیت است. او تاکید دارد که این کمک‌ها می‌تواند به هر شکلی که افراد بخواهند انجام شود؛ چه از طریق پرداخت وجه به افراد دارای مشکلات اقتصادی و چه ابتیاع وسایل و امکانات مورد نیاز؛ به طور مثال وسایل دارویی و درمانی. ساخت مراکز شبانه‌روزی ویژه کودکان بی‌سرپرست، ساخت مراکز روزانه توان‌بخشی و تامین مکان دایمی برای مراکز خدماتی نیز از جمله نیازهای زیرساختی است که به گفته خواجویی، نیازبه همت و مشارکت خیران دارد.

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای: خرید یک دستگاه غلطک خودرویی کمرشکم دو و نیم تن جهت لکه‌گیری معابر (نوبت دوم)

شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: خرید یک دستگاه غلطک خودرویی کمرشکم دو و نیم تن جهت لکه‌گیری معابر) به شماره ۲۰۹۹۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۰۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس: **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۸ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۸:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۶

مهلت زمانی ارایه پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۴:۴۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارایه پاکت‌ها

الف: آدرس: سیرجان- میدان انقلاب شهرداری مرکزی- امور قراردادها تلفن: ۴۱۳۲۰۵۰۷۷ - ۰۳۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴- ۰۲۱

دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان

فراخوان تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای: انجام عملیات تنظیف و رفت و روب معابر و جمع آوری زباله در محدوده منطقه یک شهرداری سیرجان (نوبت دوم)

شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: انجام عملیات تنظیف و رفت و روب معابر و جمع‌آوری زباله در محدوده منطقه یک شهرداری سیرجان) به شماره ۲۰۹۹۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۰۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس: **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۸ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۸:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۶

مهلت زمانی ارایه پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۲:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارایه پاکت‌ها

الف: آدرس: سیرجان- میدان انقلاب شهرداری مرکزی- امور قراردادها تلفن: ۴۱۳۲۰۵۰۷۷ - ۰۳۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴- ۰۲۱

دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان